

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه  
۰۳ جون ۲۰۲۴



یونس نگاه

## با رقص آشتی کنید



این عکس را در سال ۱۳۹۷ در قندهار گرفتم. پیش‌روی مزار باباولی است. رقص میان زیارت‌گاه و عبادت‌گاه، کنار مزار، با ریش و لباس سنتی، با پاهای برهنه و لباس ژنده در دنیا کم نبوده و هنوز بسیار است. اما در افغانستان رقص از جهات گوناگون، در همه‌جا، حتی در محافل شادی و رسانه مورد تهاجم بوده است. تنها در افغانستان نی بلکه در منطقه ما متأسفانه این تهاجم جاری بوده است. جامعه پشتون ما یکی از اهداف اصلی مهاجمان رقص، هنر و شادی بوده است. با این‌حال پشتون‌ها حتی امروز پررقص‌ترین قوم در وطن مايند. حتی طالبان نتوانسته‌اند اتن، رقص جمعی سنتی را تکفیر کنند. علت آن شاید در اعتماد به نفس سیاسی و اجتماعی قوم پشتون است. هزاره‌ها که از برخی جهات نسبت به بخش‌های دیگر جامعه افغانستان توانسته‌اند از سنت‌های دست‌وپاگیر بیشتر فاصله گیرند، در

رقص و موسیقی و شادی متأسفانه هنوز عقب‌مانده‌ترینند. سال‌ها این سؤال در ذهنم بوده است که چرا این مردم کمتر می‌رقصند؟ یا اگر می‌رقصند بسیار ابتدائی و فردی می‌رقصند؟ چرا رقص شاد جمعی در میان هزاره بسیار کم‌رنگ است؟

کودک ده یا شاید یازده ساله بودم که چند خانواده همسایه پشتون ما در اثر جنگ‌های درون قبیله‌ئی آواره شده برای چند ماه به قریه ما پناه آوردند. آن چند ماه زندگی با خانواده‌های آواره پشتون پر از رقص و اتن گذشت. ما تماشاچی بودیم و بندرت به جمع‌شان می‌پیوستیم. آنان که غم‌دیده بودند، یک جوان نوداماد را در جنگ از دست داده بودند، بی‌خانمان و آواره بودند، مردان‌شان بیشتر روزها سحرگاه با تفنگ‌ها و راکت‌ها به سمت محله مورد نزاع می‌رفتند تا مانور دهند و

شاید بجنگند، و شب خسته بر می‌گشتند، باز هم برخی شب‌ها زیر نور مهتاب زن و مرد گردهم جمع شده پایکوبی می‌کردند. ما اما حتی در نوروز و عیدها نمی‌رقصیدیم. تنها در عروسی‌ها نزدیکان عروس و داماد خود را تاب می‌دادند و حرکات بسیار ابتدائی رقص‌گونه می‌کردند.

شاید از همین‌رو برای عده‌ای از غرب‌نشینان هزاره نیز رقصیدن دختران و پسران هزاره عجیب است و واکنش خلق می‌کند.

حدس من این است که قبایل هزاره در گذشته رقص‌های مخصوص خود را داشته‌اند ولی فاجعه‌ای را که در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم از سر گذرانده‌اند، از اینان سرزندگی جمعی را گرفته است و از جمله موسیقی و رقص در این اجتماع به انزوا رفته و جای آن را عزاداری پر کرده است.

مردم هزاره در عزاداری هنرمندترین قومند. سینه‌زنی سنتی هزاره تئاتر کامل است. سینه‌زنی حلقه‌ای که ما در قریه به آن "حسن حسین" می‌گفتیم کمتر از اتن پشتون‌ها هیجان ندارد. حتی شاید موزون‌تر و پرهیجان‌تر از آن باشد.

نوحه‌خوانی و مخته‌خوانی نیز میان هزاره‌ها بسیار پررنگ بود. مخته نوعی مرثیه خوانی فلکلور است که در آن از داغ قهرمانان یا عزیزان از دست رفته سرود می‌خوانند.

کمرقصی یا نفرین‌شدگی رقص هویت هزاره نیست، بلکه نشانه‌ی یک دوره تاریخی، شکست سیاسی و پناهنده‌شدن به دامن عزای مذهبی است. از این‌رو زنده‌کردن رقص در میان هزاره‌ها مأموریت مهم نسل کنونی است.

در بیست، سی سال گذشته جوانان رقصیده‌اند و جامعه هزاره کمی با رقص آشتی کرده است. اما هنوز آنقدر که با مکتب آشتی کرده‌اند، با رقص و آواز نکرده‌اند.

فعالان سیاسی، هنرمندان و منتقدان آگاه باید برای زنده کردن اعتمادبه‌نفس جمعی هزاره تلاش کنند. مردان و زنان هزاره باید از سایه‌ی عزای مخته بیرون بیایند و در آفتاب شادی هنرنمایی کنند. رقص دست‌جمعی اگر در گذشته میان این قوم رایج بوده باید آن را از خاکستر خاطره‌ها بیرون بکشند و زنده کنند. اگر نبوده یا فراموش شده از اتن و رقص‌های جمعی منطقه ما نسخه خودشان را ببرند و برقصند.

مردمی که می‌رقصند اعتماد به نفس اجتماعی-سیاسی دارند. رقص شیوه‌ای از بیان هویت، حضور و قدرت است. مردم صاحب قدرت و اعتمادبه‌نفس با مخته و عزای هنرنمایی نمی‌کنند، با رقص و آواز حضور خود را به نمایش می‌گذارند. حتی اگر تازه از جنگ برگشته باشند!

کسانی که با رقص سر جنگ دارند دو گروه اند. گروه اول آنانی اند که مردم را ضعیف، فرمانبر، شکسته و مالیه-زکاتده می‌خواهند. گروه دوم آنانی که با شکست‌خوردگی خو گرفته‌اند. اگر می‌خواهید آزاده، صاحب قدرت و شاد باشید با رقص آشتی کنید.